

خبر



هجوم سرمایه‌گذاران خارجی به ژاپن

پس از بازگشایی کشور ژاپن به روی گردشگران خارجی از اواخر سال ۲۰۲۲ و بعد از همه‌گیری کرونا که نزدیک به سه سال به طول انجامید، اکنون سیل گردشگران روانه این کشور شده‌اند. این اتفاق درباره هجوم سرمایه‌گذاران به سهام‌های ژاپن هم صادق است. آن‌ها بعد از این دوره طولانی اکنون هیجان‌زده‌اند که به بازار سهام ژاپن وارد شوند. دقیقاً مانند مسافرهایی که در سالن انتظار فرودگاه در حال گرفتن بار و ورود به این کشور هستند. اما این هیجان ورود به بازار ژاپن احتمالاً با خطراتی هم همراه خواهد بود.

از ژانویه تا اوت، خارجی‌ها ۶٫۱ تریلیون ین (۴۰ میلیارد دلار) سهام ژاپنی خریداری کرده‌اند که بزرگ‌ترین جریان ورود پول به بازار این کشور در بازه زمانی مشابه از سال ۲۰۱۳ را نشان می‌دهد. بر اساس نظرسنجی بانک آمریکا، سرمایه‌گذاری در بازار ژاپن بیشتر از هر زمان دیگری در پنج سال گذشته بوده و احتمالاً بازگشت سرمایه‌گذاران به بازارهای ژاپن ناشی از خوش‌بینی نسبت به اصلاحات در حاکمیت شرکتی آن است. همین مسئله باعث شده که شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در معرض فعالیت سرمایه‌گذاران و در نتیجه بازگشت نقدینگی قرار بگیرند.

به هر حال، این فقط چشم‌انداز اصلاحات حاکمیت شرکتی نیست که به افزایش سهام ژاپن دامن زده است. پول ژاپن - ین - بسیار ارزان است. این ارز با ۱۴۹ ین در برابر دلار معامله می‌شود که ضعیف‌ترین حالت آن در سه دهه اخیر است. این ارز از پایان سال ۲۰۲۱ نزدیک به ۲۳ درصد کاهش داشته و به همین خاطر این احتمال وجود دارد که دیگر با این قیمت دوام نیاورد. البته این وضعیت به صادرکنندگان ژاپنی سود خوبی داده است. صادرکنندگان ژاپنی که محصولات خود را با هزینه‌های داخلی تولید می‌کنند، بیشتر در آمد خود را در خارج از کشور به دست می‌آورند و همین باعث سود بسیار زیاد تولیدکنندگان ژاپنی شده است.

ضعف ارز ین ناشی از تفاوت‌های بزرگ در نرخ‌های بهره است و جریان سرمایه به سمت دارایی‌هایی با بازده بالاتر حرکت می‌کند. برخلاف تقریباً هر بانک مرکزی دیگر، بانک ژاپن (بوج) از افزایش نرخ بهره خودداری کرده است؛ نرخ بهره کوتاه‌مدت در ژاپن ۰٫۱ است. با این حال، بسیاری از تحلیلگران گمان می‌کنند که سیاست‌های بانک مرکزی ژاپن تغییر خواهد کرد. احتمالاً این بانک سقف خود را بر بازده اوراق قرضه ۱۰ ساله دولتی رها خواهد کرد و نرخ‌ها را برای اولین بار از سال ۲۰۰۷ افزایش می‌دهد.

برخی دیگر گمان می‌کنند که چرخه‌ای از تورم ملایم و رشد قوی‌تر دستمزد ممکن است سرانجام پس از دهه‌ها رکود به ژاپن بازگردد که خود باعث نرخ‌های بهره بالاتر و ین قوی‌تر می‌شود، اما پس از ماه‌ها انتظار شواهد کمی مبنی بر افزایش حقوق در ژاپن وجود دارد. درآمد کارکنان در سال گذشته ۲ درصد و در دهه گذشته ۸ درصد کاهش یافته است. نسبت فرصت‌های شغلی به متقاضیان آن که در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به حدود ۱٫۶ رسیده بود، اکنون به ۱٫۳ رسیده و به جای افزایش، در حال کاهش است. بنابراین اگر بانک مرکزی ژاپن به سمت سیاست‌های سختگیرانه‌تر حرکت کند، رشد زیادی را تجربه نخواهد کرد بلکه با فشارهای بیرونی بیشتری روبرو می‌شود. در مجموع اصلاحات حاکمیت شرکتی ژاپنی را نمی‌توان نادیده گرفت، اما این اقدام برای غلبه بر تاریکی اقتصاد کلانی که اکنون ژاپن را فراگرفته کافی نخواهد بود. گاهی اوقات به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران جهانی فقط یک روایت را درباره وضعیت کشورها در ذهن دارند و آن اینکه یک کشور یا در یک آشفتگی و رکود است و یا در آستانه یک احیای تاریخی، اما این دو گانه درباره ژاپن صدق نمی‌کند. روند فوق‌العاده مثبت در حاکمیت شرکتی ژاپن باید در برابر وضعیت پیچیده‌تری که این کشور در بازارهای ارز با آن مواجه است تحلیل شود.

حمیدرضا علی‌نیا روزنامه‌نگار

در اکتبر سال ۲۰۱۷، کشور کوچک «مونتنگرو» خیلی شلوغ بود. این مکان که در کوه‌های کنار ساحل دریای «آدریاتیک» واقع شده و تنها ۶۲۰ هزار نفر جمعیت دارد، مکانی است که توسط بسیاری نادیده گرفته شده و چندان مورد توجه نیست. این کشور قبلاً بخشی از یوگسلاوی بود، پس از آن به عنوان ضمیمه صربستان باقی ماند تا زمانی که در سال ۲۰۰۶ استقلال کامل از صربستان را به دست آورد.

با توجه به وسعت کم این کشور، تبلیغ گسترده برای «انجمن جهانی شهروندان (GCF)» چندان کار سختی نبود. در امتداد سواحل مونتنگرو، بنرهای «انجمن جهانی شهروندان» در بزرگراه‌ها قرار داشت و رانندگان و شهروندان را دعوت می‌کرد تا لاهام‌پخش تغییر و برانگیختن نوآوری باشند. در فرودگاه هم، پوسترهایی با این جمله: «آینده از هم‌اکنون شروع می‌شود: گفت‌وگو را ادامه دهید» به استقبال تازه‌واردان رفتند. طی دو روز، نزدیک به چهارصد شرکت‌کننده در این کشور کوچک حوزه‌بالکان گرد هم آمدند تا درباره مهم‌ترین مسائلی که جهان امروز با آن مواجه است، بحث کنند.

میلیونرها در مهمانی‌ها می‌چرخیدند، نخست‌وزیران و سیاست‌مداران با هلی کوپتر در آنجا فرود آمدند و مابقی جمعیت این فستیوال «شهروند جهانی»، را نبوهی از خترین جهانی، کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد، بانکداران، خلاقان و چند خانواده سلطنتی تشکیل دادند. اما تعداد اندکی از مردم منبع مالی پشت این مهمانی را می‌دانستند: پاسپورت‌های طلایی.

شهروندی با کمک سرمایه‌گذاری

نماینده‌ای از دولت مونتنگرو در جلسه برنامه‌نانه جدید شهروندی



از آنجایی که شهروندی یک انحصار دولتی است، حتی کوچک‌ترین متصدیان آن (دولت‌های کوچک با جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر که فاقد وزن اقتصادی و نظامی معمول دولت هستند) می‌توانند از این ابزار برای افزایش در آمد استفاده کنند. آنچه مهم است اندازه نیست بلکه خود حاکمیت است

از طریق سرمایه‌گذاری (CBI) توضیح داد: «این راهی است برای جذب افرادی که دانش و تجربه دارند، تابیایندو به دیگران آموزش دهند و کشور را به جلو ببرند. اگر برنامه شهروندی به درستی اجرا و نظارت شود، فرصت بزرگی برای کشورهایی مانند مونتنگرو است. ما نمی‌خواهیم پاسپورت بفروشیم، می‌خواهیم برتری را بخریم».

نه تنها مونتنگرو بلکه گرجستان، مقدونیه و مولداوی هم به دنبال توسعه برنامه‌های (CBI) هستند و همگی نمایندگان خود را به «انجمن جهانی شهروندان» فرستاده بودند. یک کارمند دولتی از ارمنستان می‌گوید: «کشور ش فاقد نفت یا گاز است، به همین دلیل در حال بررسی راه‌هایی برای ایجاد یک محیط تجاری است که سرمایه‌خارجی جذب کندو شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری را وسیله‌ای برای توسعه رقابت می‌داند.» او ادامه داد: «ما به دنبال ابزاری هستیم تا کشور را در شبکه‌های مناسب قرار دهیم. اگر هدف قرار دادن خود در شبکه‌های نخبگان باشد، مجمع جهانی شهروندی جای مناسبی است».

شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر از چیزی که احتمالاً انتظار دارید در حال رواج است. بیش از ۱۲ کشور میزبان برنامه‌های عملیاتی در این زمینه هستند. حوزه کارائیب خانه پنج کشور فعال در این زمینه است: آنتیگوا، دومینیکا، گرنادا، سنت کیثس و سنت لوسیا فعال در فروش شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری‌اند. در دریای مدیترانه، کشور مالت در نزدیکی قبرس هم به جمع سایر کشورهای نزدیک مدیترانه همچون مصر، اردن، مونتنگرو، مقدونیه شمالی و ترکیه که در فروش شهروندی فعال هستند، پیوسته است.

در آسیا، کامبوج فقط از طریق یک گزینه سرمایه‌گذاری شهروندی خود را می‌فروشد و در اقیانوس آرام جنوبی، کشور «وانواتو» دارای شکل‌های متنوعی برای فروش شهروندی خود و ورود سرمایه‌های خارجی است. در اطراف آن‌ها کشورهایی وجود دارند که با ثبت قوانینی به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهند تابعه آن‌ها شوند. اما چه تنها از طریق یک قانون (مثلاً خرید خانه) یا چندین قانون مختلف بتوان شهروندی یک کشور را

اگر توانایی پرداخت هزینه‌اش را دارید، تعداد روبه‌شدی از کشورها وجود دارند که مایل به فروش شهروندی خود و امتیازاتی هستند که به شما شهروندی خواهد داد. تجارت پر سود «گذرنامه‌های طلایی» جنبه تاریک جهانی‌سازی سرمایه‌داری و ارزش‌گذاری نابرابر آن برای جان انسان‌ها را آشکار می‌کند. این پدیده در کجا در حال رخ دادن است و چه تمایزی را میان کشورها برقرار



خرد، حداقل ۲۲ کشور مختلف در سال ۲۰۲۲ دارای مبنایی قانونی برای تابعیت افرادی بودند که مبلغ مشخصی را در کشور سرمایه‌گذاری یا اهدا می‌کنند.»

تا همین اواخر، طرح‌های شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری در اختیار کشور‌های جزیره‌ای کوچک با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر بود. برای چنین کشور‌های خردی، تزریق قابل توجه وجوه خارجی که از طریق شهروندی انجام می‌شود، می‌تواند تأثیر اقتصادی چشمگیری داشته باشد. با این حال، صحنه به تازگی شروع به تغییر کرده است؛ زیرا کشورهای مهم‌تری مانند روسیه و مصر وارد بازی شده‌اند.

محصول پر تقاضا

با توجه به اینکه جدیدترین برنامه‌ها از این دست هنوز در دوران



همه شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری تنها بخش کوچکی از اقتصاد جهانی شهروندی است که در آن مردم و کشورها به‌طور متفاو‌تی ارزش‌گذاری و ارزیابی می‌شوند. شاید گویاترین مورد در این زمینه کشور کوچک «نانورو» باشد که اکنون نیمی از در آمد خود را از طریق مدیریت پناهجویانی که توسط استرالیا دفع می‌شوند به دست می‌آورد

ممکن است توسط بازیرگان متقاعد شود که قوانین را به نفع خود تغییر دهد.

با این حال در مورد شهروندی، دولت هم تنظیم‌کننده کلیدی بازار و هم تنها تولیدکننده این کالا است، زیرا در دنیای معاصر، تنها دولت‌ها هستند که شهروندان را می‌سازند. اگر دولتی اعطای تابعیت را از آن خود نشناسد، در واقع دولت نیست. اتفاقی که برای «استفان چرنتیچ»، شاهزاده مونتنگرو و مقدونیه افتاد و از کشور خود بیرون شد.

افراد بدون تابعیت، مانند روهینگایی‌های میانمار یا روس‌های لتونی، می‌دانند که وقتی یک دولت آن‌ها را به عنوان افراد خارجی محسوب می‌کند، عواقب وخیمی را به همراه خواهد داشت. اگر دولت پشتیبان‌شان نباشد، تابعیت آن‌ها دیگر به حساب نمی‌آید. نتیجه این است که دولت تنها فروشنده قانونی شهروندی هستند. حتی اگر موانع بوروکراتیک روند تابعیت را گسترش دهند و حتی اگر زنجیره‌ای از واسطه‌ها خریدار و فروشنده را به هم متصل کنند، در نهایت دولت باید هر معامله شهروندی را امضا کند. به این ترتیب، هیچ بازار ثانویه قانونی‌ای وجود ندارد.

از آنجایی که شهروندی یک انحصار دولتی است، حتی کوچک‌ترین متصدیان آن (دولت‌های کوچک با جمعیتی کمتر از یک میلیون نفر که فاقد وزن اقتصادی و نظامی معمول دولت هستند) می‌توانند از این ابزار برای افزایش در آمد استفاده کنند. آنچه مهم است اندازه نیست بلکه خود حاکمیت است. عملاً دولت هنگام فروش شهروندی هم به عنوان تنها تولیدکننده محصول و هم به عنوان قانون‌گذار نهایی بازار عمل می‌کند. این نقش مضاعف گاهی مواردی را نظر اخلاقی مشکوک، اما

می‌کند؟ کدام افراد از طریق سرمایه‌گذاری کالای جدید شهروندی را می‌خرند و چطور شهروندی تمایز و اختلاف جهانی را نشان می‌دهد؟ متولی این بازار چه بخشی است و تا چه میزان امنیت سرمایه‌گذاری برای آن قابل تصور است؟ این پرسش‌ها از جمله مواردی است که در این متن به دنبال پاسخ به آن هستیم.

کاملاً قانونی از فروش تابعیت به مظنونین جنایی را به همراه داشته است.

شهروندی مشکلات حاکمیتی خاص خود را دارد که به رسمیت نشناختن مهم‌ترین آن‌هاست. به عنوان مثال، زمانی که گرانا‌دا در سال ۲۰۰۱ به دنبال فشارهای ایالات متحده، کانال شهروندی اقتصادی خود را بست، به سادگی شهروندان سرمایه‌گذار خود را به رسمیت نشناخت و عملاً تابعیت آن‌ها را پاک کرد. حوادث مشابهی نیز در دهه ۱۹۹۰ در اقیانوس آرام رخ داد.

با این حال، زمانی که این کانال‌های فروش شهروندی به برنامه‌های (CBI) کامل تبدیل شوند، پاک کردن تابعیت سرمایه‌گذاران بسیار مشکل‌تر می‌شود. وقتی تابعیت از طریق یک روبه‌بوروکراتیک گسترده شامل تقسیم کار و نظارت خارجی اعطا شود، چنین کاری دشوار خواهد بود.

فروپاشی جهانی‌شدن و شهروندی

آیا فروپاشی جهانی‌شدن چشم‌انداز (CBI) را متحول می‌کند؟ در صورتی که کشورها خود را به بلوک‌های منطقه‌ای محدود کنند یا محصور سازند، احتمالاً چنین پدیده‌ای تقاضا را حتی بیشتر هم می‌کند، زیرا مردم به دنبال راه‌هایی برای تضمین دسترسی و فرصت‌ها هستند. با چرخش دولت‌ها به درونگرایی، عرضه نیز ممکن است در میان کشورهایی که با پیامدهای اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند افزایش یابد.

چه جهانی‌شدن ادامه یابد یا نه، شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری در دنیایی پر از ریسک، عدم قطعیت و نابرابری به رشد خود ادامه خواهد داد. این نشانه‌های بارز گسترش سرمایه‌داری است که بخش عمده‌ای از جهانی‌شدن معاصر را هدایت می‌کند. تقاضا برای این برنامه‌ها تا زمانی ادامه دارد که کشورها به تولید شهروندان ثروتمندی که به دنبال بهبود تحرک یا فرصت‌های خود هستند و البته منافع‌ی علیه دولت خود دارند ادامه می‌دهند.

بعید است عرضه در این بازار کاهش یابد؛ زیرا دولت‌هایی با منابع درآمدی محدود به این منبع پول آسان روی می‌آورند، به‌ویژه زمانی که دیگر جریان‌های اقتصادی خشک می‌شوند. در واقع این پدیده‌نشان می‌دهد دنیای مابیش از این که جهان مهاجرت باشد، دنیای تحرک است که در آن مردم با انعطاف‌پذیری بیشتر و در افق زمانی کوتاه‌تری نسبت به تصورات سنگین مهاجرت و اسکان، حرکت می‌کنند.



اما این باعث منسوخ شدن شهروندی نمی‌شود. در عوض، چون شهروندی قابل حمل است و حتی در خارج از کشور اعطاکننده هنوز هم نیرو دارد آن را به کالایی قدرتمند تبدیل می‌کند. مثلاً دکنری که به کشور دیگری نقل مکان می‌کند ممکن است اعتبار مدارک پزشکی خود را از دست بدهد، اما این موضوع برای شهروندی صدق نمی‌کند چون هر جا بروید شهروندی را با خود خواهید برد. به همین دلیل حتی در عصر تحرک، شهروندی هنوز اهمیت اساسی دارد و پیامدهای آن برای نابرابری جهانی عمیق است.

با این همه شهروندی از طریق سرمایه‌گذاری تنها بخش کوچکی از اقتصاد جهانی شهروندی است که در آن مردم و کشورها به‌طور متفاوتی ارزش‌گذاری و ارزیابی می‌شوند. شاید گویاترین مورد در این زمینه کشور کوچک «نانورو» باشد که اکنون نیمی از درآمد خود را از طریق مدیریت پناهجویانی که توسط استرالیا دفع می‌شوند به دست می‌آورد. در اقتصاد جهانی شهروندی، چه کشورها و چه افراد ثروتمند هر کاری که بخوانند انجام می‌دهند، در حالی که افراد ضعیف‌تر به دنبال راهی برای زنده ماندن هستند

دنیای جهانی شده با شهروندی جهانی به دست نمی‌آید. در عوض، وضعیت با شهروندی جهانی اختلاف بیشتری پیدا می‌کند و بر مکانی که می‌توانیم برویم، رفتاری که با ما می‌شود و حقوقی که نه تنها در خانه بلکه در سرتاسر کره زمین خواهیم داشت، تأثیر می‌گذارد. برای برخی، امکانات و امتیازاتی را فراهم می‌کند و برای دیگران، مجازات‌ها و محدودیت‌هایی را به همراه دارد.

منبع: jacobin.com